مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی
شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۸۹، صفحات ۷۰ - ۵۵

ساختار بانک در جامعه اسلامی*

آیت الله شهید سید محمد باقر صدر
ترجمه: سید یحیی علوی[۱]

بانک نهادی مالی است که نقش اساسی در تقویت و استمرار نظام اقتصاد سرمایه‌داری دارد. کارکردهای بانک را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: یکی سرمایه‌داری و دیگری خدماتی. کارکرد سرمایه‌داری نیز به دو بخش هنجاری و اثباتی تقسیم می‌شود. در نظام بانکداری ربوی، رابطه ثروت و کار (فعالیت اقتصادی) لزوماً برقرار نیست و لذا صاحبان سرمایه بدون زحمت و فعالیت با دریافت بهره از وام‌گیرندگان ثروتمندتر می‌شوند. با توجه به تجمیع سرمایه‌ها در بانک‌ها، سود خالص ناشی از اعطای تسهیلات به مشتریان، ثروت‌های هنگفتی را برای بانک‌ها فراهم می‌کند که خود موجب حیات غول‌های اقتصادی و تقویت نظام سرمایه‌داری می‌شود (نقش هنجاری). از سویی بانک با جمع‌آوری سرمایه‌های سرگردان در جامعه و بکارگیری آن در طرح‌های اقتصادی موجب رشد اقتصادی جامعه می‌شود که به‌طورقطع امری مفید برای تمام جوامع است (نقش اثباتی). علاوه بر این، ارائه خدمات بانکی (اعتبارات اسنادی، حواله، صدور ضمانتنامه و غیره) نیز کارکردهای دیگر بانک‌های غربی است که مفید و لازم است. برای ایجاد بانک اسلامی می‌توان نقش اثباتی بانک (تجهیز و تخصیص منابع) را در قالب عقود اسلامی مانند قرض‌الحسنه، مضاربه، وکالت و غیره پیاده نمود. همچنین ارائه خدمات بانکی همچون اعتبارات اسنادی در قالب حواله، وکالت و غیره اجرا می‌شود. اما حذف قرض ربوی و جایگزین نمودن عقود اسلامی در تجهیز و تخصیص منابع بانک و همچنین وضع زکات بر کنز ثروت (به اشکال مختلف توسط حکومت اسلامی) در جامعه اسلامی از جمله عواملی است که موجب می‌شود نقش هنجاری بانک در نظام سرمایه‌داری، در بانک اسلامی نابود شود.

واژه‌های کلیدی: بانک اسلامی، مأموریت اثباتی، مأموریت هنجاری، کارکرد سرمایه‌ای، کارکرد خدماتی.

---

* بانک در جامعه اسلامی عنوان مقاله‌ای از شهید صدر می‌باشد که به همراه تعدادی دیگر از مقالات ایشان در کتاب *الاسلام یقود الحیاة* منتشر گردیده است.

۱. دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع). sy.alavi@gmail.com

۱. مقدمه

کارکردهای بانک در نظام سرمایه‌داری به دو صورت انجام می‌پذیرد:

الف) کارکرد سرمایه‌داری

بانک با پرداخت بهره، سپرده‌ها را از سپرده‌گذاران قرض می‌گیرد و سپس سرمایه‌ها و وجوه جمع‌آوری شده را با بهره‌ای بیشتر به افراد یا پروژه‌های تولیدی و تجاری قرض می‌دهد.

ب) کارکرد خدماتی

بانک خدماتی را ارائه می‌کند و در ازای آنها اجرت دریافت می‌کند. از جمله این خدمات اعطای چک و سفته، انجام حواله، خرید و فروش اوراق مالی که به وکالت از صاحبان اوراق و برای ایشان انجام می‌شود و همچنین نگهداری اوراق مالی و دریافت سود کوپن اوراق به نیابت از مشتریان می‌باشد. بانک همچنین نقش واسطه در عملیات پذیره‌نویسی سهام برای برخی از شرکت‌ها را انجام می‌دهد. علاوه بر این، بانک برای مشتریان گشایش اعتبار اسنادی و انبارداری کالاها و برخی دیگر از خدمات که نیاز به تلاش و مساعدت بانک دارد را انجام می‌دهد.

بدون شک بخش دوم از کارکردهای بانک علیرغم اهمیتی که دارد در مقایسه با کارکرد اول یعنی کارکرد سرمایه‌داری در جوامع سرمایه‌داری نقشی فرعی محسوب می‌شود. زیرا کارکرد سرمایه‌داری بانک نقش اصلی در نظام اقتصادی غرب دارد به همین خاطر، بانک در جوامع غربی ایجاد شده است. کارکرد دوم (ارائه خدمات) محصول فرعی فرایند پیشرفت و تکامل بانک‌های سرمایه‌داری می‌باشد.

با بررسی کارکرد اصلی بانک (کارکرد اول) درمی‌یابیم که این کارکرد متشکل از دو وظیفه یا مأموریت است. ماموریت اول اثباتی است که با مقاصد رشد اقتصادی یا به عبارت دیگر، با نقش علمی سرمایه مرتبط است و مأموریت دیگر، هنجاری است که به چارچوب سرمایه‌داری در جوامع غربی مرتبط می‌باشد. به عبارت دیگر، این مأموریت به نقش مکتبی سرمایه که ارتباط با ماموریت قبلی را نیز برقرار می‌کند اشاره می‌نماید که در ادامه به آن می‌پردازیم. پیش از اینکه ماهیت این دو مأموریت بانک را توضیح دهیم لازم است که دو معنای مختلفی که برای سرمایه مفروض است را بیان کنیم.

سرمایه به معنای اثباتی و علمی عبارت است از مالی که ممکن است در فرایند تولید ثروت جدید مشارکت کند. به عنوان مثال، ابزارهای تولید و مواد اولیه با این معیار، سرمایه می‌باشند. همچنین مقادیر زیاد وجه نقد به عنوان سرمایه نقدی محسوب می‌شوند زیرا می‌توانند در فرایندهای

تولیدی مختلف ایفای نقش کنند. لذا با این تعریف، مقادیر کوچک وجه نقد هر چند به صورت مستقل مالیت دارند، اما در تعریف سرمایه نمی‌گنجند.

معنای هنجاری یا مکتبی سرمایه در شرایطی مفهوم می‌یابد که سرمایه به صورت منفک از کار، اساس افزایش ملکیت واقع شود. در حالی‌که سرمایه به تنهایی ابزاری برای تولید ثروت جدید نیست، بلکه ابزار تولید ملکیت جدید برای صاحب سرمایه می‌باشد.

اکنون با توجه به این مفاهیم ابتدا دو ماموریت اثباتی و هنجاری بانک را توضیح می‌دهیم سپس روش بانک روش بانک اسلامی که بدون پرداخت بهره ربوی و بدون استفاده از روش‌های سرمایه‌داری اقدام به جمع‌آوری وجه نقد می‌کند ارائه می‌شود.

۲. ماموریت اثباتی

مأموریت علمی- اثباتی که در ایجاد کارکرد اول برای بانک سرمایه‌داری دخالت دارد عبارت است از مشارکت بانک در فرایند رشد اقتصادی و فراهم کردن حد بیشتری از امکانات تولیدی. این کار از طریق جمع‌آوری وجوه خرد نقدی از دست صاحبان آنها صورت می‌گیرد.این اموال تا زمانی‌که پراکنده هستند هیچ نقش مثبتی در فرایند تولید ندارند. اما هنگامی‌که جمع‌آوری می‌شوند نیروی تولیدی بزرگی را تشکیل می‌دهند و بخش بزرگی از سرمایه تولیدات اجتماع را پوشش می‌دهند. به عبارت دیگر، این اموال به سرمایه نقدی به معنای علمی تبدیل آن می‌شوند. بانک نهادی است که وظیفه تجمیع این اموال خرد و بکارگیری آنها در فرایند بزرگ تولیدی را برعهده دارد. به همین خاطر بانک در رشد اقتصادی سهیم است.

این نقشی که بانک در عرصه اقتصاد ایفا می‌کند را ماموریت اثباتی می‌نامیم که بانک در ساخت اقتصاد انجام می‌دهد. منظور از ماموریت اثباتی این است که به هر حال و فارغ از چارچوب ایدئولوژیک، این کار بانک امری لازم و ضروری است. هر جامعه‌ای فارغ از اینکه چه مکتب اقتصادی داشته باشد، نیاز به نهادی دارد که این نقش را ایفا نماید و مقادیر کوچک و بی‌خاصیت از وجوهات نقد را به مقادیر موثر تبدیل کند. اما علیرغم اثباتی بودن این ماموریت و هنجاری نبودن ماهیت آن، بانک در جامعه سرمایه‌داری برای تحقق آن از روش‌های هنجاری استفاده می‌کند. روش‌هایی که این جوامع برای دستیابی به این مهم بکار می‌گیرند از دیدگاه سرمایه‌داری و مکتب اقتصاد سرمایه‌داری نشأت می‌گیرد زیرا بانک برای این‌که بتواند وجوهات خرد و پراکنده را جمع‌آوری کند ناگزیر باید از ابزارهایی استفاده کند که اموال از حوزه صاحبانشان به سوی صندوق عمومی بانک جذب شوند. تا زمانی‌که صاحبان وجوه در تبیعت از مکتب سرمایه‌داری در پی

حداکثر کردن بی‌حد و مرز نفع خویش هستند و تنها در ازای دریافت سود و رشد اموالشان حاضر به حرکت می‌باشند، بدیهی است که پرداخت بهره به صاحبان سپرده تنها روش ممکن برای جذب اموال می‌باشد. به این ترتیب، بانک سرمایه‌داری مأموریت اثباتی خویش را بر اساس نظام بهره انجام می‌دهد و به سپرده‌گذاران بر اساس میزان سپرده، درصد معینی سود می‌پردازد تا انگیزه مادی برای سپرده‌گذاری پیدا کنند. بانک نیز تلاش می‌کند تا بهره پرداختی به سپرده‌گذاران کم باشد تا در مقابل تفاوت نرخ بهره سپرده‌ها (طرف تجهیز) و نرخ بهره تسهیلات (طرف تخصیص) زیاد شود.

۳. ماموریت هنجاری

مأموریت هنجاری بانک در تبدیل مقادیر پراکنده وجوه به سرمایه به هر دو معنای اثباتی و هنجاری آن بروز می‌کند که در نتیجه منجر به استمرار و تقویت روابط سرمایه‌داری در جوامع سرمایه‌داری می‌شود. برای اینکه دریابیم که بانک چگونه این کار را انجام می‌دهد لازم است تا کمی با ماهیت این ارتباطات در جوامع سرمایه‌داری آشنا شویم.

جوهره روابط سرمایه‌داری در اتخاذ سرمایه به‌عنوان اساسی برای رشد ثروت منفک از کار می‌باشد. این رشد تنها زمانی معنا می‌یابد که در چارچوب مکتبی یا چارچوب نظام مشخصی از توزیع ثروت به آن نگاه کنیم، زیرا هنگامی‌که خارج از چارچوب مکاتبی همچون سرمایه‌داری به این‌رشد ثروت نگاه می‌کنیم، رشد ثروت بر اساس سرمایه و به‌صورت مجزا از کار را بی‌معنا می‌یابیم. اما زمانی‌که رشد ثروت را بطور نسبی در نظر می‌گیریم یا رشد ثروت را به معنای رشد ملکیت یک فرد معین در نظر می‌گیریم، آنگاه با رشد ملکیت آن شخص می‌توانیم مفهوم رشد ثروت بر اساس سرمایه را به صورت مجزا از کار متصور شویم. به عبارت دیگر، در این جا هر کس که ثروتش رشد می‌کند لزوماً کاری انجام نمی‌دهد، اما بخاطر اینکه مالک سرمایه است ثروتش مطابق با ارتباطات سرمایه‌داری افزایش می‌یابد. بر این اساس می‌توانیم ماموریت هنجاری بانک سرمایه‌داری را دریابیم که بطور خلاصه عبارت است از:

– بوجود آوردن سرمایه‌ای که با قدرت سرمایه‌داری، مالکیت سرمایه‌دار را فارغ از هرگونه عمل و کوششی گسترش دهد. این مالکیت از راه جمع‌آوری مبالغ کوچک فراهم آمده که در نهایت سرمایه قادر به تولید را تشکیل می‌دهد و درآمدی ثابت به نام بهره را برای صاحبانشان به همراه می‌آورد.

– بوجود آوردن مالکیت‌های خصوصی بزرگ تا جایی‌که صاحبانشان بتوانند زندگی اقتصادی را رهبری کرده و برای همه خط‌مشی معین کنند و به راهی که می‌خواهند بکشانند زیرا فراهم‌آوردن

مبالغ هنگفت از پول‌های پراکنده همان‌گونه که به‌صورت اثباتی از لحاظ تولیدی نیروی جدیدی برای این اموال ایجاد می‌کند به همان ترتیب برای کسانی که اقدام به جمع‌آوری پول‌ها کرده‌اند یعنی صاحبان بانک‌ها که تمام این مبالغ در صندوق آنها ریخته می‌شود، قدرت بزرگی به همراه می‌آورد. این قدرت باعث می‌شود که سرمایه‌داری در دست آنها جهش بزرگی به خود داده و مالکیت‌های خصوصی بزرگی را ایجاد کند.

– مسلط کردن نظام سرمایه‌داری حریص به وسایلی که بتواند خود را از ریسک بهره‌های دریافتی از وام‌های اعطایی حفظ کند، زیرا بانک زمانی سپرده‌ها را از صاحبانش دریافت کرد و حداقل بهره‌ای برای ترغیب صاحبان اموال به سپرده‌گذاری پرداخت کرد بلافاصله مبالغ جمع شده را با بهره‌ای بیشتر وام می‌دهد و به‌این ترتیب برای سرمایه‌داری سودی ثابت، بدون کار و تحمل ریسک تأمین می‌شود.

– رساندن نیروی لازم یا همان سرمایه مورد نیاز برای کمک به تأسیسات تولیدی سرمایه‌داری برای گسترش چارچوب استثمار و رونق روابط سرمایه‌داری زیرا صاحبان تأسیسات سرمایه‌داری با دایر کردن بانک تکیه‌گاه محکمی به‌دست می‌آورند، سرچشمه جوشانی که تمام نمی‌شود و از راه وام‌هایی که به آنها امداد می‌رساند دائماً می‌توانند سود سرمایه‌داری خود را گسترش داده و روابط سرمایه‌داری را در عرصه اقتصاد ریشه‌دارتر کند.

به این ترتیب نقش هنجاری بانک در جوامع سرمایه‌داری مشخص می‌شود. بانک سرمایه‌داری مأموریت هنجاری را همراه با ماموریت اثباتی خود و مرتبط با یکدیگر انجام می‌دهد. پس هر اندازه ثروت کل جامعه از طریق فعالیت بانکداری سرمایه‌داری رشد کند نظام سرمایه‌داری و متعلقات، آثار و مشکلاتش نیز رشد می‌کند. اکنون سوال اساسی این است که نظر اسلام در مورد بانک سرمایه‌داری چیست و چگونه می‌توان بانک اسلامی ایجاد کرد؟

واضح است که اسلام بانک سرمایه‌داری به معنایی که بیان شد را تأیید نمی‌کند زیرا اولاً با احکام دین اسلام و قانون مدنی فقه اسلامی که قرض ربوی را حرام کرده است تناقض دارد. ثانیا با اساس اقتصاد اسلامی و روح عمومی آن در توزیع و بکارگیری ثروت تناقض دارد.

به همین خاطر ایده بانک بدون ربا به منظور پیاده نمودن الگوی بانک اسلامی مطرح شد. این ایده به‌دلیل ذهنیات منفی که در جامعه اسلامی در خصوص تبیعت و الگوبرداری از واقعیت فاسد و نگاه پلید انسان غربی به زندگی و نهادهای اجتماعی آن وجود دارد، ابتدا غریب بود. این ذهنیات به این خاطر بوجود آمده است که تبیعت از غرب و به قدرت رسیدن انسان‌های وادادە به غرب در

جوامع اسلامی آغاز راه انحراف در جامعه اسلامی بوده است. لذا مسلمانان از این پدیده (تبیعت از الگوهای غربی) عبرت گرفتند و به الگوهایی مانند بانک بدون ربا با تردید نگاه می‌کنند. به‌طوری‌که کودکی به من گفت که من هنگامی‌که اسم بانک بدون ربا را می‌شنوم همان‌قدر تعجب می‌کنم که می‌شنوم انسانی در مورد دایره مربع (امر محال) بحث می‌کند.

در مقام آشنایی با الگوی بانک اسلامی باید به‌صورت بنیادی بین دو رویکرد زیر تفاوت قائل شویم:

الف) رویکرد کسی که می‌خواهد الگوی بانک بدون ربا را در ضمن طراحی الگوی جامعه اسلامی، طراحی کند. به‌این‌معناکه شرایط به گونه‌ای است که زمام رهبری بر تمام مسائل و شئونات اجتماع به‌دست اسلام افتاده است. در این صورت وی باید الگوی بانک اسلامی را به‌صورت جزئی پیوسته از الگوی کل جامعه ترسیم کند.

ب) رویکرد کسی که می‌خواهد بانک اسلامی را به‌صورت یک امر مستقل از دیگر جوانب جامعه طراحی کند یعنی شرایط به گونه‌ای است که فساد بر چارچوب اجتماعی جامعه اسلامی حاکم است و موسسات ربوی دیگر مانند بانک‌ها و غیره در جامعه وجود دارند، لذا ماهیت نظام سرمایه‌داری به‌طور ضمنی در زندگی اقتصادی، فکری و خلقیات انسان پابرجاست.

این دو رویکرد تفاوت اساسی با یکدیگر دارند، زیرا بر مبنای رویکرد دوم، طراح بانک اسلامی می‌بایست تنها به حل تناقضات بین بانک سرمایه‌داری و اسلام اکتفا کند. تناقضی که بانک با احکام دین اسلام و قانون مدنی فقه اسلامی دارد و از اینجا تلاش می‌کند تا ساختار نظام بانکی را به‌گونه‌ای بسازد که بر اساس قرض با بهره نباشد و در عین حال شکلی مناسب برای زندگی و حرکت در چارچوب اسلامی جامعه را ارائه دهد. این الگو باید از لحاظ ایدئولوژی مطابق اسلام باشد و درعین حال قادر به انجام خدمات بانک‌های دیگر (بانک‌های ربوی) باشد. البته به‌طورقطع بانک‌های ربوی نیز با آمدن بانک اسلامی خشنود نمی‌شوند.

چارچوب این رویکرد با محدودیت همراه است و نمی‌تواند تناقض دوم (تناقض بانک اسلامی با نظام سرمایه‌داری) را حل کند. نقش و عملکرد بانک اسلامی در این شرایط بانک را به اهداف و موفقیت مورد انتظار نمی‌رساند زیرا در این شرایط اساس مکتب اقتصادی اسلام و روح حاکم بر آن در واقعیت بانک بدون ربا پیاده نمی‌شود. گرچه حکم تحریم ربا به شکل یک قانون در بانک بدون ربا وضع می‌شود، اما از آنجا که این بانک در جامعه‌ای غیراسلامی واقع می‌شود، روح و اساس مکتب اقتصادی اسلام در پیکره بانک وارد نمی‌شودبه‌این‌خاطر که حل تناقض اول تنها به معنای

خلاص شدن از اشکال غیرقانونی و معاملات غیرمشروع مانند قرض ربوی در اسلام و فقه می‌باشد. لذا این رویکرد تمام نتایج حقیقی و اهداف و مقاصدی که مکتب اقتصادی اسلام از تحریم اشکال غیرشرعی می‌خواهد را محقق نمی‌کند.

تنها اگر روح کلی اسلام به باطن قالب قراردادها وارد شود و فضای عمومی آنها را متأثر کند و اقتصاد اسلامی به‌صورت کامل در تمام جوانب زندگی پیاده شود، آنگاه نظام اقتصادی اسلام در نتیجه ارتباط بین اعضایش به اهداف خود می‌رسد و نتایج مطلوب خویش را به ثمر می‌دهد. پس نظام اسلامی یک کل واحد است که اجزاء آن با یکدیگر مرتبط هستند و اجرای هر جزء امکان موفقیت اجرای جزء دیگر را فراهم می‌کند و به اجرای نقش اسلامی مرسوم آن کمک می‌کند.

بر مبنای رویکرد اول اگر قرار باشد بانکی اسلامی در جامعه‌ای اسلامی ایجاد شود، آنگاه رها شدن از تناقض اول به تنهایی کافی نیست بلکه ناگزیر باید هر دو تناقض بین بانک سرمایه‌داری و بانک اسلامی را حل کنیم تا بتوانیم به بانک اسلامی حقیقی دست یابیم. چنین بانکی بخشی اصلی در طرح کامل اقتصاد در جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد و تنها به معنای رفوکردن نقصان‌های بانک سرمایه‌داری نیست بلکه اساساً با آن متفاوت است.

بر این اساس از ابتدا بین دو فعالیت بانک سرمایه‌داری که پیش از این تقسیم‌بندی نمودیم یعنی فعالیت سرمایه‌داری و خدمات بانکی تمایز قائل می‌شویم. بطور کلی فعالیت و خدمات بانکی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

- ماهیت فعالیت و خدمات حقیقی حکم می‌کند که درآمد اکتسابی بانک می‌بایست تنها در ازای کار باشد. کار نیز تنها یک پوشش اسمی برای فعالیت سرمایه‌داری و استثمار نیست.
- خدمتی که بانک ارائه می‌کند باید بطور کلی سالم و مطابق با مصلحت جامعه باشد.
- شکل معاملات در خدمات بانکی باید مطابق با فقه اسلامی باشد.

همان‌طورکه پیش از این ذکر شد، فعالیت سرمایه‌داری بانک متشکل از دو مأموریت اثباتی و هنجاری می‌باشد. بانک در جامعه اسلامی مأموریت اثباتی فعالیت سرمایه‌داری را حفظ می‌کند، اما مأموریت هنجاری آن که برگرفته از ماهیت نظام اقتصادی و فضای فکری و روحی در جامعه سرمایه‌داری است را کنار می‌گذارد.

بانک در جامعه اسلامی برای انجام مأموریت اثباتی بجای استفاده از ابزارهای سرمایه‌داری از ابزارهایی که دارای ماهیتی اسلامی هستند، استفاده می‌کند. به‌این ترتیب جامعه در چارچوب مکتب اقتصادی اسلام و مطابق با هنجارهای زندگی اسلامی به دستاوردهای اثباتی فعالیت بانکی در عرصه

اقتصاد دست می‌یابد. در واقع می‌توان این پدیده را تحولی عظیم در ماهیت فعالیت بانکی برشمرد. این تحول را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

• دولت ازطریق بانک رسمی در جامعه اسلامی، عملیات جمع‌آوری اموال و بکارگیری آنها را برعهده دارد و به بخش خصوصی اجازه ورود به عرصه سودآوری بانکی را نمی‌دهد. به این ترتیب هدف تأمین مالی این عملیات بانکی از محتوای سرمایه‌داری آن جدا می‌شود زیرا در این شرایط عملیات جمع‌آوری وجوه یک فعالیت اجتماعی می‌شود که دولت به یک معنا آن را به نیابت از صاحبان سرمایه‌ها انجام می‌دهد. لذا برخلاف جوامع سرمایه‌داری که در آن افرادی خاص بر نظام بانکی سیطره یافته‌اند و زمام کل حیات اقتصادی را در اختیار دارند در جامعه اسلامی قدرت جدیدی برای انجام جمع‌آوری سرمایه‌ها وجود ندارد تا بتواند این سرمایه‌ها را به ملکیت یک فرد یا افراد محدود درآورد.

• دولت برای ترغیب صاحبان اموال در فرایند جمع‌آوری اموال و وجوه پراکنده و ذخیره شده همانند بانک‌های سرمایه‌داری از درآمد ثابت به عنوان بهره استفاده نمی‌کند. بلکه سیاست‌های دولت در این عرصه بر اساس ترکیب بین حقایق و آرمان‌های برگرفته از مکتب اقتصادی و روح عمومی شریعت اسلام است و این آرمانها عبارتند از:

الف) بهره حرام در حقیقت نوعی اجرت است که در نظام سرمایه‌داری، قرض‌دهنده در ازای منفعتی که قرض‌گیرنده از سرمایه وی می‌برد درخواست می‌کند. از نظر اسلام شرعیت اجرت تنها در شرایطی صحیح است که مقدار اجرت در ازای عمل ذخیره شده در مال اجاره داده شده تعیین شود اما در مورد سرمایه نقدی در سررسید بازپرداخت قرض، عمل ذخیره شده‌ای در مال قرض داده شده وجود ندارد و لذا از نقطه نظر اسلام دلیلی برای دریافت اجرت وجود ندارد.[1]

ب) اسلام کنز طلا و نقره و عدم انفاق آن در راه خدا را حرام کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: «و الذین یکنزون الذهب و الفضهٔ و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم[2]». در این آیه طلا و نقره تنها مثال‌هایی برای وجوه نقد هستند. وجوه نقد ماهیتاً باید روان باشند. به عبارت

---

۱. شاید شهید صدر با بیان مفهوم عمل ذخیره شده به عنوان عامل صحت اجرت قصد دارند به بحث استهلاک و مخاطره موجود برای مال اجاره داده شده بپردازند و وجود مخاطره و استهلاک را از شرایط صحت اجاره بدانند. به همین خاطر هر گاه مالی مثلی مانند سرمایه نقدی اجاره داده شود و شرط شود که مثل آن برگردانده شود، عنصر ریسک و استهلاک از بین می‌رود و قرارداد ماهیتاً تبدیل به قرض می‌شود.

۲. سوره توبه، آیه ۳۴.

دیگر، جمع‌آوری و از جریان انداختن وجوه نقد حرام است. کنز ثروت یک مفهوم منعطف است که متناسب با درجه امکان گردش مال در جریان اقتصاد و قدرت موجود برای بکارگیری و استفاده از مال تعیین می‌گردد. پس هرگاه امکان گردش مال بیشتر باشد و قدرت بکارگیری سرمایه در چارچوبی وسیعتر فراهم باشد، راکد کردن سرمایه حتی در مدت زمان کوتاه نیز کنز ثروت محسوب می‌شود. درحالی‌که اگر امکان گردش و بکارگیری سرمایه نباشد، زندگی اقتصادی کند و راکد می‌شود و دیگر حتی بر سکون سرمایه در دوره‌های زمانی طولانی‌تر هم عنوان کنز ثروت صدق نمی‌کند. به همین خاطر اگر مال در نزد صاحبش برای یکسال کامل راکد بماند به آن زکات نقدین تعلق می‌گیرد زیرا هنگامی‌که در عرصه اقتصاد امکانات خوبی برای گردش مال وجود ندارد به‌این‌خاطر که راکد نگه‌داشتن مال کنز ثروت محسوب شود ناگزیر باید در دست صاحبش برای یکسال کامل ساکن بماند.

اندیشه حرمت کنز ثروت بر اساس نظریه اسلام در خصوص وجوه نقد بنا شده است. اسلام معتقد است که مبادلات باید بر اساس دارایی‌های حقیقی یعنی به‌صورت مبادله کالا به کالا باشد. همان‌طور که در زمان مبادلات پایاپای و پیش از بوجود آمدن پول به این صورت بود. زیرا در آن زمان این تنها راه بود که هر تولیدکننده‌ای در جامعه محصول خویش را با کالایی که برای برآورده کردن نیاز خویش لازم دارد مبادله کند. ظهور پول نقد برای پایان دادن به ماهیت مبادلات پایاپای نبود بلکه برای آسان کردن آن بود. پس بجای اینکه مبادله بین گندم و پنبه صورت گیرد کشاورز گندمکار، گندم خویش را به‌صورت نقد می‌فروشد و با پول آن پنبه می‌خرد. لذا مبادله بین گندم و پنبه پابرجاست، اما در قالب دو عملیات خرید و فروش انجام می‌شود. چنانچه پول نقد تبدیل شود به وسیله ذخیره ارزش و کنز ثروت و گندمکار گندم خویش را نقدا بفروشد و پول نقد حاصل را ذخیره کند و با آن پنبه نخرد در آن‌صورت پنبه یا به تعبیر دیگر جزئی از کل محصولات جامعه نخواهد توانست به بازار وارد شود و نقش آن در تبدیل شدن به پول نقد در بازار برای از سرگیری تولید جدید کامل نمی‌شود. در مقابل کنز ثروت برای کنزکننده قدرت بیشتری برای استثمار خلق می‌کند. اگر روح مبادلات پایاپای حفظ شود، امکان حمله به بازار توسط کنزکنندگان از بین می‌رود.

ج) زکات در اسلام به این دلیل وضع شده است که مالیاتی بر کنز ثروت باشد و از آن جلوگیری کند زیرا زکات نرخ مالیات معینی را بر پول طلا و نقره ذخیره شده در طول یکسال واجب می‌کند. همان‌طور که پیش از این بیان شد، معیار زمانی یکسال برای زکات به شرایط و

فضای اقتصادی زمان صدر اسلام مربوط می‌شود. در توضیحات بحث اقتصاد اسلامی ملاحظه کردیم که زکات معیاری است که قابل توسعه می‌باشد و تطبیق آن بر ثروت‌های مختلف به نظر ولی امر شرعی بستگی دارد. این موضوع ما را قادر می‌سازد تا به ریشه و روح اندیشه اسلام بازگردیم و می‌توانیم با استفاده از مالیات بر وجوه نقد کنز شده از کنز ثروت جلوگیری کنیم. این ایده در دستورات عمومی اسلام وارد می‌شود و در نتیجه خلأ موجود احکام کنز ثروت را پر می‌کند. زکات ابزار منعطفی در اقتصاد اسلامی برای ولی امر جامعه است. بر این اساس ولی امر می‌تواند مطابق با اختیاراتش و بنا به مصالحی که می‌بیند مالیات مذکور (زکات کنز ثروت) را وضع کند. لازم نیست که این مالیات به صورت عوارض دولتی دریافت شود بلکه می‌توان آن را به صورت‌های دیگری نیز طراحی کرد. به عنوان مثال، می‌توان آن را همانند بسیاری از مالیات‌ها و درآمدهای دولتی از طریق چسباندن برچسب مالیاتی بر عریضه، وثیقه و امثال آن انجام داد. بنابراین می‌توان از روش‌های متداول مالیاتی برای مالیات بر کنز ثروت نیز استفاده کرد.

د) تربیت اسلامی فرد در جامعه اسلامی بر اساس احسان، ایثار و جایگزینی منطق معاوضه امور معنوی بجای منطق معاوضه مالی و مادی است. این معاوضه همان تجارت بدون زیانی است که در اصطلاح قرآن کریم آمده و تشویقی برای یاری مستضعفین و قرض دادن به محتاجان همراه با روح برادری، محبت و با نیت کسب ثواب و غفران الهی می‌باشد. تمام این موارد بستر مادی و معنوی بی‌همتایی فراهم می‌کند که در پرتو آن انگیزه پرداخت‌های خیرخواهانه رشد می‌کند و برای بسیاری از مردم رغبتی برای اعطای قرض خیرخواهانه ایجاد می‌شود. این یک مثال فرضی در جامعه اسلامی نیست بلکه حقیقتی است که وجود دارد. مؤیدات متعددی بر این حقیقت در جامعه وجود دارد که از جمله آنها صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌باشد که پیش از شکل‌گیری حکومت اسلامی وجود داشته است. این صندوق‌ها ناشی از روحیات نیکوکارانه و ایثارگرایانه مردم است که باعث می‌شود بسیاری از افراد بخشی از اموال خود را برای رضای خدا به اعطای قرض بدون بهره اختصاص دهند. این اثر تربیت اسلامی بر روی فردی که در زیر سایه جامعه اسلامی زندگی نکرده است یا در مورد کسی که در چارچوب جامعه اسلامی کامل زندگی کرده است چگونه خواهد بود؟ (به‌طورقطع اثر تربیت اسلامی در شرایطی که جامعه اسلامی حاکم باشد بیشتر است.)

• پس از اینکه در مورد قبل چارچوب نظری زیربنای بانک در جامعه اسلامی - که براساس آن مأموریت اثباتی فعالیت بانک و نقش آن در حیات اقتصادی شکل می‌گیرد - را تبیین کردیم، اکنون به معرفی روش بانک اسلامی که بدون پرداخت بهره ربوی و بدون استفاده از روش‌های

سرمایه‌داری اقدام به جمع‌آوری وجوه نقد پراکنده می‌کند می‌پردازیم. بانک اعلام می‌کند که حاضر است تا تمام وجوه نقدی که صاحبان آن متمایل به سپرده‌گذاری در بانک باشند را بپذیرد و برای این کار دو قالب را طراحی کرده است:

قالب اول: سپرده قرض‌الحسنه

در این حالت بانک وجوه را به صورت قرض ضمانت شده دریافت می‌کند و در ازای آن به سپرده‌گذار بدهکار می‌شود. در اینجا سپرده‌گذار از منافع زیر برخوردار می‌شود:

- **حفظ و نگهداری مال و تضمین امنیت آن:** اموال بر ذمه بانک است و بانک بنا بر توافقی که با صاحبان سپرده کرده است ملزم می‌باشد که هر موقع ایشان وجوه خود را خواستند آن را بپردازد.

- **حفظ ارزش حقیقی پول سپرده‌گذار:** ارزش پول نقد به‌طور مستمر در طول زمان کاهش می‌یابد. تورم موجب کاهش قدرت خرید وجوه نقد می‌شود و در نتیجه ارزش واقعی آن را کم می‌کند. پس اگر شخص بخواهد پولش را برای مدت زمان طولانی نگه دارد، در حقیقت تنها ارزش اسمی پولش حفظ می‌شود اما ارزش واقعی آن کاهش می‌یابد. از این رو پیداست که بانک باید وجوه نقد را بصورت قرض دریافت کند تا ارزش واقعی آنها را تضمین کند زیرا پول نقد گرچه از لحاظ فقهی کالایی مثلی است اما مثلش تنها ورق پول نیست، بلکه آن چیزی است که بیانگر ارزش آن می‌باشد. لذا پرداخت مبلغی اضافه توسط بانک به مشتری برای حفظ آنچه که بیانگر ارزش مثلی پول دریافتی می‌باشد، ربا نیست. بنابراین ارزش واقعی بر اساس طلا و توسط نرخ مبادله سپرده‌ها با طلا تعیین می‌شود.

- **بدست آوردن اجر و ثواب:** در صورتی‌که صاحب سپرده متمایل به تخصیص مبلغ سپرده برای اعطای قرض به محتاجین و تهیدستان باشد، وجه مذکور به این منظور در صندوق خاصی قرار داده می‌شود. در این نوع سپرده‌گذاری، سپرده‌گذار به جز امور مذکور هیچ حقی برای دریافت اجرت یا سود از بانک ندارد.

قالب دوم: سپرده سرمایه‌گذاری

وجوه نقد به‌منظور سرمایه‌گذاری و بکارگیری در طرح‌های اقتصادی در قالب مضاربه نزد بانک سپرده‌گذاری می‌شوند. در این حالت سپرده‌گذار به‌طور مشاع و بنا بر درصد توافقی با بانک از سود بهره‌مند می‌شود. طبق توافق سپرده‌گذار با بانک، بانک موظف می‌شود تا باقی سود حاصل را از سرمایه‌گذار دریافت کند. اگر خود بانک بطور مستقیم اقدام به سرمایه‌گذاری کند، باقی‌مانده سود

متعلق به سپرده‌گذار می‌شود. اگر بانک به یکی از مشتریان خود عملیات سرمایه‌گذاری را واگذار کند در آن‌صورت بر اساس مضاربه سود بین آن مشتری و صاحب سرمایه تقسیم می‌شود و بانک اجرت کار و واسطه‌گری خویش بین صاحب سرمایه و سرمایه‌گذار را دریافت می‌کند. تبعاً مقدار اجرت نیز بر اساس مقدار کاری که بانک در این راستا انجام می‌دهد، تعیین می‌شود.

در صورتی‌که فرد سرمایه خود را در قالب دوم (مضاربه) در بانک سپرده‌گذاری کند از خدمت تضمین سرمایه برخوردار نمی‌شود، بلکه در صورت عدم تعدی و تفریط از سوی سرمایه‌گذار، زیان حاصل را نیز متحمل می‌شود. به این دلیل است که سپرده‌گذار در حالت دوم در سود شریک است و سود نیز بدون انجام فعالیت اقتصادی و تحمل مخاطره سرمایه امکان پذیر نیست.

در هر دو قالب (قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری) مبلغ سپرده از مالیات بر کنز ثروت (زکات) معاف می‌شود. بر این اساس درمی‌یابیم که بانک اسلامی در جمع‌آوری وجوه بر تضمین اموال و دیگر مزایا به منظور ترغیب و ایجاد انگیزه برای سپرده‌گذاری صاحبان سرمایه‌ها اتکا می‌کند. بطور خلاصه این انگیزه‌ها عبارتند از:

- نگهداری وجوه نقد و تضمین امنیت: این منفعت برای سپرده‌گذاری‌های نوع اول (قرض‌الحسنه) اتفاق می‌افتد.
- حفظ ارزش واقعی وجوه نقد: در غیر این‌صورت اگر فرد بخواهد سرمایه‌اش را در ملکیت خود نگه دارد از این مزیت محروم می‌شود.
- دریافت سهمی از سود: این درصورتی است که سپرده‌گذاری در قالب دوم یعنی مضاربه باشد و صاحب سرمایه حاضر به تحمل مخاطره زیان احتمالی باشد.
- معافیت از پرداخت مالیات بر کنز ثروت: اگر صاحب سرمایه وجوه را بطور نقدی در اختیار خودش نگه می‌داشت این مالیات را باید می‌پرداخت.

به این انگیزه‌ها یک مورد دیگر نیز می‌افزاییم و آن ایجاد نوعی روحیه خاص مالی در افراد است. این روحیه خاص باعث می‌شود که فرد مسلمان در جامعه اسلامی احساس مسئولیت و وظیفه بکند که در فرایند رشد اقتصادی جامعه شریک است و در نتیجه مطابق امر قرآن کریم «و اعدّوا لهم ما استطعتم من قوّة ..» تمام قوا و نیروی مالی موجود در جامعه جمع‌آوری می‌شود. این احساس مسئولیت مزیت بزرگی برای جامعه است و موجب تقویت ارزشهای انقلابی اسلامی می‌شود و روح رهبری و بلندپروازی را در درون فرزندان جامعه ایجاد می‌کند. علاوه بر آن، انگیزه احسان، ایثار و

برآورده کردن نیازهای مستضعفین از طریق اعطای قرض بدون بهره توسط بانک به نیازمندان را در جامعه پدید می‌آورد.

هرگاه مطابق آنچه پیش از این بیان شد عملیات تجمیع وجوه پراکنده انجام شود، بانک اسلامی می‌تواند سرمایه حاصل از سپرده‌ها را به دو صورت بکارگیرد:

الف) تخصیص منابع سپرده‌های قرض‌الحسنه

این نحوه تخصیص منابع مختص سپرده‌های قالب اول یعنی سپرده‌های قرض‌الحسنه است و مستلزم فعالیت مستقیم خود بانک می‌باشد. سرمایه‌ها در اینجا در موارد زیر بکار می‌روند:

- اعطای قرض مصرفی بدون بهره به کسانی که به‌دلیل شرایط خاص زندگی خود (فقر و ..) نیازمند دریافت این وام‌ها می‌باشند. البته بانک باید رعایت احتیاط را نیز بکند و ضمانت‌هایی برای اطمینان از بازپرداخت وام‌ها دریافت کند.
- بکارگیری سرمایه در پروژه‌های تولیدی که مطابق با چارچوب اسلامی جامعه باشند. در این صورت اگر بانک مستقیماً عملیات سرمایه‌گذاری را انجام دهد، کل سود مال خودش یا دولت اسلامی می‌شود و اگر با اشخاص حقیقی یا حقوقی که توانایی انجام این پروژه‌ها را دارند توافق کند، سود بین طرفین متناسب با توافق انجام گرفته تقسیم می‌شود.
- اعطای قرض بدون بهره به افراد به منظور خرید حداقل وسایلی که بتوانند با آن امرار معاش کنند. در این صورت پس از تأیید صلاحیت ایشان از جهت ریسک اعتباری و توانایی انجام کار، بانک وام‌هایی را جهت ایجاد پروژه‌های کوچک تولیدی به ایشان می‌دهد. البته بانک پیش از اعطای وام، پیشنهادات و اطلاعات مربوط را به وام‌گیرنده ارائه می‌کند و ترتیباتی اتخاذ می‌کند که بتواند بر فرایند پروژه تولیدی اشراف و نظارت داشته باشد.

ب) تخصیص منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری

این نحوه تخصیص منابع مختص سرمایه‌هایی است که در قالب دوم سپرده‌گذاری شده‌اند. بانک در اینجا سرمایه‌ها را در پروژه‌های تولیدی مفید بکار می‌گیرد. اگر خود بانک مستقیماً این کار را انجام دهد، سود بین بانک و سپرده‌گذاران تقسیم می‌شود. اما اگر با افراد حقیقی یا حقوقی دیگری توافق کند که ایشان کار را انجام دهند، نقش بانک واسطه‌گری می‌شود و در ازای این کار اجرتی دریافت می‌کند. لذا سود بین شخص عامل که فعالیت سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهد و صاحبان سپرده تقسیم می‌شود.

اگر بانک در جامعه اسلامی نقش خودش را به‌صورت شایسته و کامل انجام دهد، سرمایه‌داری به معنای اثباتی با درجه‌ای بالا رشد می‌کند. علاوه بر این، تجمیع مناسب وجوه از این طریق باعث می‌شود تا سرمایه لازم برای پروژه‌های مختلف تولیدی فراهم شود. در نتیجه فضای گسترده و مناسب کار برای وام‌گیرندگان بانکی ایجاد می‌شود. در بانک اسلامی انتخاب افراد توسط بانک جهت دریافت وام بر مبنای قدرت مالی ایشان در پرداخت بهره نیست، بلکه بر اساس توانایی و بصیرت ایشان در تولید و مقدار نیاز ایشان به سرمایه می‌باشد. پس سرمایه در چارچوبی وسیع به دست افراد کاردان و انسان‌های توانا در امر تولید داده می‌شود. بانک در تمام این موارد نقش توجیه و هدایت و نظارت بر وام‌گیرنده را برعهده دارد. این کار بانک تحولی عظیم را پدید می‌آورد و بخش زیادی از ارزش افزوده تولید و ثروت درگردشی که سرمایه‌ها به عنوان بهره یا سود دریافت می‌کردند را به دست خود فعالان و عاملان اقتصادی می‌دهد. همچنین بانک از اعطای وام به پروژه‌های انگل که در نظام سرمایه‌داری نقش حلقه‌های واسطه بین تولید و مصرف را برعهده دارند خودداری می‌کند.

بانک می‌بایست از اعطای وام به این پروژه‌های انگل بپرهیزد تا این پروژه‌ها نابود شوند و فاصله بین تولید و مصرف کاهش یابد. در نتیجه به استثناء قیمت تعادلی فروش کالاها در بازار، قیمت کالاهای تولیدی به قیمت حقیقیشان که همان هزینه تولید می‌باشد نزدیک می‌شوند. به این ترتیب در پرتو بانک اسلامی این تناقضی که بانک‌های سرمایه‌داری بین منافع سرمایه‌داری ربوی و منافع سرمایه‌داری تجاری و تولیدی ایجاد کرده‌اند از بین می‌رود زیرا هرگاه رونق در تولید و تجارت ایجاد شود و تقاضا برای سرمایه افزایش یابد، سرمایه‌داری ربوی نرخ بهره را بطور مستقل از تغییرات سود حقیقی افزایش می‌دهد و هرگاه بازار تولید وتجارت به رکود برود، بانک‌ها نرخ بهره را مطابق قوانین عرضه و تقاضا کاهش می‌دهند. اما در جامعه اسلامی چنین چیزی وجود ندارد. تازمانی‌که بانک متناسب با ظرفیت‌ها در جامعه عمل می‌کند و به فقرا برای تأمین مالی پروژه‌های کوچک وام بدون بهره می‌دهد و با عاملان صلاحیت‌دار ضمن عقد مضاربه قرارداد می‌بندد، منفعت پروژه با منفعت بانک اسلامی یکسان می‌گردد. لذا هرگاه پروژه‌های تولیدی در رونق واقع شوند، تمایل بانک به تخصیص سرمایه‌ها به‌صورت قرض‌الحسنه یا مضاربه افزایش می‌یابد.

این علاوه بر مشارکت بانک در تأمین اجتماعی است که از طریق اعطای قرض مصرفی بدون بهره به فقرا و مستضعفین کسانی‌که مستمند، نیازمند و یا ناتوان از انجام کار هستند صورت می‌گیرد.

به این ترتیب بانک در جامعه اسلامی جزئی اساسی از الگوی کامل اقتصاد اسلامی می‌باشد. آنچه بیان شد چارچوب کلی بانک در جامعه اسلامی بود که به موجب آن، بانک نقشی اساسی در اقتصاد اسلامی ایفا می‌کند. البته این نقش در مقابل نقشی است که بانک‌ها در اقتصاد سرمایه‌داری موجود در جوامع سرمایه‌داری ایفا می‌کنند. در آینده بطور کامل پیکره و اجزای ساختار کلی بانک اسلامی را توضیح می‌دهیم.[۱]

۴. نتیجه‌گیری

بانک نهادی مالی است که با جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک از سپرده‌گذاران و اعطای بهره به آنها سرمایه‌های بزرگی را فراهم می‌کند. سپس با اعطای تسهیلات و دریافت بهره بالاتر از مشتریان، سود خالصی نصیب خود می‌کند. علاوه بر این، بانک‌ها امروزه خدمات متنوعی برای مشتریان خود ارائه می‌کنند که از جمله آنها صدور ضمانتنامه‌ها و اعتبارات اسنادی، حواله و پذیره نویسی سهام است.

در نظام سرمایه‌داری تجمیع سرمایه و تخصیص آن با استفاده از قرض ربوی انجام می‌شود. به این ترتیب صاحبان سرمایه بدون ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی، سود مشخص و بدون زحمت دریافت می‌کنند که موجب می‌شود ثروتمندان ثروتمندتر شوند. این مکانیزم برای صاحبان سرمایه‌های بزرگ و بطور خاص بانک‌ها بیشتر صادق است. لذا می‌توان گفت که بانک‌ها نقش اساسی در استمرار نظام سرمایه‌داری دارند که آن را کارکرد هنجاری سرمایه‌داری بانک می‌نامیم.

از سوی دیگر، بانک با جمع‌آوری سرمایه‌های سرگردان در جامعه و بکارگیری آن در طرح‌های صنعتی و کشاورزی موجب رشد اقتصادی جامعه می‌شود که به طور قطع امری مفید برای تمام جوامع است و آن را کارکرد اثباتی سرمایه‌داری بانک می‌نامیم. علاوه بر این، ارائه خدمات بانکی (اعتبارات اسنادی، حواله، صدور ضمانتنامه و غیره) نیز کارکردهای دیگر بانک‌های غربی است که مفید و لازم است.

برای ایجاد بانک اسلامی می‌توان نقش اثباتی بانک (تجمیع و تخصیص وجوه) و همچنین خدمات بانکی را در قالب عقود اسلامی مانند قرض‌الحسنه، مضاربه، وکالت، حواله و غیره پیاده نمود. در طرف تجهیز منابع از عقود قرض‌الحسنه، مضاربه و وکالت و در طرف تخصیص منابع از

---

۱. مترجم: شهید صدر بعد از این مقاله در کتاب *البنک اللاربوی فی الاسلام* به تشریح الگوی بانک بدون ربا در جامعه اسلامی می‌پردازند.

عقود قرض‌الحسنه و مضاربه استفاده می‌شود. اما در بانک اسلامی قرض ربوی جایگاهی ندارد و لذا سود حاصل در فعالیت بانک اسلامی حاصل از سود واقعی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی است.

همچنین در جامعه اسلامی، زکات بر کنز ثروت که به صورت‌های مختلف توسط حکومت اسلامی وضع می‌شود مانع از توقف سرمایه‌ها می‌شود. بنابراین در این بانک اسلامی سپرده‌گذاران علاوه بر اجر اخروی از مزایای زیر برخوردار می‌شوند که عبارتند از:

- معافیت از مالیات بر کنز ثروت
- جبران تورم
- تضمین امنیت وجوه نقد (سپرده‌های قرض‌الحسنه)
- دریافت سهمی از سود (سپرده‌های سرمایه‌گذاری)

گرچه می‌توان بانک اسلامی را با مختصات ارائه شده ایجاد نمود، اما نمی‌توان گفت که این الگو تمام نتایج حاصل از بانک اسلامی را به ثمر خواهد داد. زیرا در نظام اسلامی تمام اجزا به یکدیگر مرتبطند و کارایی هر عضو به ماهیت اسلامی عضو دیگر بستگی دارد. بنابراین تنها در شرایطی که تمام نهادها و ساختارهای جامعه اسلامی باشد، بانک اسلامی واقعی پدید خواهد آمد و به تمام اهداف خود خواهد رسید.

منبع

صدر، شهید سید محمد باقر (۱۴۰۳)، *ساختار بانک در جامعه اسلامی*، الاسلام یقود الحیاة، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ دوم، صص ۲۳۰-۲۱۱.